

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی-کابل

۲۰ جنوری ۲۰۱۸

کمک "غنی" به احیای "فوسیل های جهادی"

جمعه ۱۹ جدی ۱۳۹۶ - کابل: وقتی شش هفت ماه قبل مقاله آقای "موسوی" را که در آن از کمک "غنی" به "جمعیت اسلامی" یاد می کرد خواندم، با آن که معنای تمام کلمات و جملات برایم کاملاً روشن بود، مگر با در نظر داشت اوضاع و مناسبات خصمانه بین "جمعیت اسلامی" و "غنی"، نمی توانستم با محتوای آن مطلب موافق باشم. عدم موافقتم تا سرحدی بود که می خواستم دوستانه آن نوشته را بر روی فکت ها و نشانه هائی که نزد خود داشتم نقد نمایم، کاری که به علت تذکر استادم که "اندکی صبر نمایم شاید زمان یکی از شما را کمک نماید" و عدم اعتماد به خودم در یک تقابل قلمی با آقای "موسوی"، مانع نوشتن نقد شد.

مگر وقتی امروز به سایت هائی که نزدیکی هائی با "جمعیت اسلامی" دارند، مراجعه نمودم و در پهلوی سایر مطالب، مسوده موافقتنامه جدید بین "باند ارگ" و "جمعیت اسلامی" را خواندم، متوجه مشوره استادم شده، خوش شدم که صبر نمودم و زمان به من فهماند که واقعاً آقای "موسوی" راست و بجا می گفت و مغز متعفن (غنی) همان دشمنی بود که سبب خیر برای طرف و طرفهای مقابل گردیده است، زیرا:

۱- بدون آن که زیاد به مغز خود فشار بیاوریم و یا به اوراق کتابها و مجلات سری بزینم، در همان نگاه اول در زمان حاکمیت "کرزی" کاملاً مشهود بود که احزاب جهادی در مسیر تجزیه و پراگندگی برق آسا در حرکت بوده، هر روزی که از عمر آنها می گذشت، همه شاهد بودیم که پارچه ها و قسمت هائی از پیکر آن احزاب جدا شده با اندک امتیازی که از طرف "کرزی" می گرفتند، سیر قهقرائی را به سمت تجزیه سرعت می بخشیدند.

۲- با به وجود آمدن "حکومت نفاق ملی" زورگوئی های "غنی" و "اشمک بازی" های "عبدالله"، نهاد ها و افراد متوجه شدند که اگر گرد هم نیابند، از طرف "باند ارگ" نابود خواهند شد، به همین سبب اولین حرکت اتحاد گرایانه، با تشکیل "شورای حراست و ثبات" خود را نشان داد.

۳- "حزب اسلامی" که به ده ها پارچه تقسیم شده، هریک از آنها برای خود می نواختند، با حرکات و سازشهای ضد ملی "باند ارگ" و دادن امتیازات و امکانات مادی-اداری فوق العاده به شخص "گلبدین" جنایتکار، به جای ادامه همان روند تجزیه، به دور "گلبدین" دوباره جمع شده، هرگاه همین سیاست "باند ارگ" ادامه یابد، هیچ بعید نیست که آن باند جنایتکار خود را از نو به مثابه یک حزب سیاسی-نظامی بازسازی و دوباره سازی نماید.

۴- آخرین حرکت احمقانه "باندارگ" مقابله ناسنجیده با "معلم عطاء" والی بلخ بود. می دانیم که تا قبل از تقابل ارگ و بلخ، "جمعیت اسلامی" نیز به سمت پراگندگی و افتراق چهاراسپه و به تاخت در حرکت بود، چنانچه این افتراق در نخستین روز های درگیری خود را از طریق افراد چندی از "جمعیت اسلامی" و شخص "عبدالله" نیز نمایان ساخت. مگر زرنگی و مکاری جمعیتی ها که همه در مکتب تفتین و تقلب "برهان الدین ربانی" درس فتنه آموخته اند، مطالبی را به مثابه خواستها از جانب "عطاء" مطرح نمودند که نه تنها صفوف جمعیت را به دنبال خود کشید و نه تنها ناراضیان جمعیت از "حکومت وحشت ملی" و "عبدالله" را به طرف خود کشید، بلکه شخص "عبدالله" را نیز از سنگر "غنی" جدا ساخته، "باندارگ" را به طرف یک انشعاب نابودکننده سوق می دهد.

نکات بالا و ده ها مورد دیگر، تماماً گواه بر آنست که "مغز متعفن" با سیاست های احمقانه اش، آگاهانه و یا هم ناآگاهانه، فوسیل های جهادی را به طرف وحدت و یکپارچگی درونی سوق می دهد. وحدتی که در نهایت به کشتار مردم خواهد انجامید، زیرا تجربه ثابت ساخته، که وحدت جنایتکاران، نتیجه ای جز نابودی توده ها نداشته است.

دیده شود چه می شود!!